اَلسَّمَكُ الطّـائِـرُ:

ماهی پرنده :

نَوعٌ مِنَ الْأَسماكِ يَقْفِزُ مِنَ الْماءِ بِحَرَكَةٍ مِنْ ذَيلِهِ الْقَوِيِّ وَ يَطيرُ فَوقَ سَطحِ الْماءِ،
نوعی از ماهی هاست که می پرد از ما با یک حرکت از دُم قدرتمندش و پرواز می کند بالای سطح آب،
حَيثُ يَمُدُّ زَعانِفَهُ الْكَبيرَةَ الَّتي تَعمَلُ كَجَناحَينِ. يَفْعَلُ ذٰلِكَ لِلْفِرارِ مِن أَعداءِهِ. يَطيرُ
به گونه ای که می کشد باله های بزرگش را که عمل می کنند مانند دو بال. انجام می دهد آن را برای فرار از دشمنانش . پرواز می کند
هٰذَا السَّمَكُ خَمساً وَ أَربَعينَ ثانِيةً، ثُمَّ يَنزِلُ إِلَى الْماءِ وَ يَدخُلُ فيهِ.
این ماهی چهل و پنج ثانیه ، سپس فرود می آید در آب و داخل می شود در آن.



نَقّـارُ الْخَشَبِ:

دارکوب :

طائِرٌ يَنْقُرُ جِذْعَ الشَّجَرَةِ بِمِنقارِهِ عَشْرَ مَرّاتٍ فِي الثّانِيَةِ عَلَى الْأَقَلِّ، وَ هٰذِهِ السُّرعَةُ لا
پرنده ای است که نوک می زند به تنهٔ درخت با منقارش ده بار در ثانیه دست کم ، و این سرعت ضرری رساند
تَضُرُّ دِماغَهُ الصَّغيرَ بِسَبَبِ وُجودِ عُضْوَينِ في رَأسِهِ لِدَفْعِ الضَّرَباتِ:
به مغز کوچکش به دلیل وجود دو عضو در سرش برای دفع ضربه ها :
اَلْأَوَّلُ نَسيجٌ بَينَ الْجُمجُمَةِ وَ الْمِنقارِ، وَ الثّانـي لِسانُ الطّائِرِ الَّذي يَدورُ داخِلَ جُمجُمَتِهِ.
اول بافتی است بین جمجمه و منقار و دوم زبان پرنده ای است که می چرخد داخل جمجمه اش.

